

انترناسیونال

۱۶

دوره دوم



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

منصور حکمت

www.m-hekmat.com

سه شنبه، ۲۵ فروردین ۱۳۸۳

۱۳ آوریل ۲۰۰۴

هر سه شنبه و جمعه منتشر میشود

سردبیر: فاتح بهرامی

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

در برنامه های بزرگداشت
منصور حکمت شرکت کنید
صفحه ۲

خودکشی کارگر کارخانه قند
میان دو آب / اخبار کارگری
صفحه ۳

در حاشیه رویدادها
کاظم نیکخواه
صفحه ۴

* خطر اعدام کبرا رحمانپور
* فاشیزم ایرانی علیه افغانستانی ها
* ادامه جنگ و کشتار در عراق

جلو هجوم جمهوری اسلامی به مهاجرین افغانی را باید گرفت

صفحه ۳



به استقبال برپائی هر چه باشکوهتر اول ماه مه برویم

شهلا دانشفر

بستن صف اعتراض کارگران در
خاتون آباد تمام توجه جامعه
بسوی کارگران جلب شده و فصل
جدیدی در مبارزه کارگران و
مبارزه علیه سرنگونی جمهوری
اسلامی گشوده شده است.

صفحه ۲

قیام مردم ایذه و فیروزکوه بودیم.
در کنار موج اعتراض در جامعه
اعتراضات کارگری نیز گسترش
بیشتری پیدا کرده و بدنبال
اعتراضات چندین ماهه کارگران
پتروشیمی و موسسات وابسته به
نفت و انعکاس وسیع آن در سطح
جامعه و بویژه بدنبال به گلوله

امسال در شرایطی به استقبال اول
ماه مه میرویم که جامعه بیش از
هر وقت در التهاب و مبارزه بسر
میبرد و مبارزه و اعتراض تمام
بخش های جامعه را فرا گرفته
است. در همین یکماه اخیر شاهد
اعتراضات گسترده هزاران نفره
مردم و قیامهای شهری از نوع



سالروز نسل کشی در رواندا

سیاوش دانشفر

دولتهای غربی و سازمان ملل هم
"هیچکاره" بودند و در آنزمان
دمکراسی صرفاً "تاسف"
میخورد! اما نسل کشی ده سال

صفحه ۲

کشی را بلاواسطه به جنگ قومی
هوتو و توتسی منتسب کردند.
میگویم در حاشیه، چرا که کمتر
قتل عام و جنایتی علیه بشریت
آنهم در این ابعاد، با چنین
سکوت سنگینی روبرو شده است.
تصویری که داده میشد این بود
که گویا "قبایل وحشی" در رواندا
به جان هم افتاده اند! ظاهراً

ده سال پیش بود. قریب یک
میلیون نفر عمدتاً توتسی و
همینطور مخالفان دولت حاکم در
رواندا، توسط هوتوهای افراطی
که توجیه شده بودند که امر خدا و
انجیل را پیش میبرند، به فجیع
ترین شکل قتل عام شدند. رسانه
های غربی، که در حاشیه از این
کشتار سخن گفتند، این نسل

سرمایه داری، جهان را به میدان تاخت و تاز تروریسم و میلیتاریسم و جنگ تبدیل
کرده است. فقر و بیکاری و گرسنگی بیداد میکند. نه فقط بورژوازی قادر نیست که
تصویری از بهبود در مقابل جامعه بگذارد، بلکه تجربه میلیاردها انسان از وعده
"صلح و رفاه" در "نظم نوین" چیزی جز بریریتی مدرن نبوده است. اینکه آینده چگونه
خواهد بود و سهم اکثریت عظیم مردم از زندگی چه خواهد شد، تماماً در گرو این است
که طبقه کارگر امروز چه میگوید و چکار میکند. جهانی که هر روز با کار کارگران
سریا نگهداشته میشود میتواند توسط طبقه کارگر تغییر کند. طبقه کارگر برای
رهائی راهی جز انقلاب علیه سرمایه پیش رو ندارد.

زنجیرهای بردگی را باید از هم گسست. اول مه روز اتحاد و اعلام همبستگی
کارگران جهان است. روز ابراز وجود طبقاتی و سوسیالیستی است. در اول مه پرچم نفی
این نظام جهانی را برافرازیم و به کل جامعه اعلام کنیم اگر قدرت دست ما باشد
استثمار و بردگی مزدی و مالکیت خصوصی را الغا میکنیم. اعلام کنیم که اگر قدرت
دست ما باشد، از فقر و بیکاری خبری نخواهد بود، بی مسکنی و بی داروئی و جهالت
و بیسودی رخت برمییندد، و خوشبختی و آزادی و برابری را برای همگان تامین
خواهیم کرد. در حکومت کارگری هر کس به اعتبار انسان بودنش در پیشگاه جامعه از
حقوق برابر برخوردار است و بنا به نیازش از امکانات مادی و معنوی جامعه استفاده
خواهد کرد.

در ایران، حکومت اسلامی سرمایه داران در يك قدمی واژگونی است. مهمترین
مسئله جامعه امروز ایران و کلید هر بهبود در زندگی مردم و بویژه طبقه کارگر، مساله
سروشست دولت و قدرت سیاسی است. این واقعیت باید در شعارهای اجتماعات روز
کارگر در صدر قرار بگیرد. اول مه امسال، ۱۲ اردیبهشت، میتواند به جامعه تشنه
انقلاب و رهائی نشان دهد که نیروی عظیم آزادی و سوسیالیسم، کارگران، در صحنه
اند. حزب کمونیست کارگری شما را به حضور فعال در پیشاپیش صف مبارزه برای
آزادی، علیه رژیم اسلامی و برای برقراری يك جامعه آزاد، برابر و انسانی فرا میخواند.

کارگران جهان متحد شوید!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ فروردین ۸۳ - ۸ آوریل ۲۰۰۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ به استقبال هرچه باشکوهتر اول مه...

در برنامه های بزرگداشت منصور حکمت شرکت کنید

جداگانه دیگری در این روز ندارد و علاقمندان را به شرکت در این مراسم دعوت میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران همه دوستان و علاقمندان را به شرکت در این برنامه ها، که جزئیات آن متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید، فرامیخواند. شرکت در همه این مراسم ها برای عموم آزاد است. در داخل ایران نیز همه دوستداران منصور حکمت را فرامیخوانیم در اشکالی که خود ممکن و مناسب میدانند به بزرگداشت این انسان بزرگ بپردازند و یاد او را گرامی دارند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ آوریل ۲۰۰۴

در هفته های آینده مجموعه برنامه هائی در بزرگداشت منصور حکمت برگزار میشود.

به مناسبت پنجاه و سومین سالروز تولد منصور حکمت مجموعه ای از مراسمها و سخنرانی ها از ۵ تا ۱۲ ژوئن در لندن و چند کشور دیگر از طرف احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق برگزار میشود. مراسم لندن در روز شنبه ۵ ژوئن خواهد بود. انجمن مارکس - حکمت نیز روز ۶ ژوئن در لندن مراسمی برگزار خواهد کرد. تاریخ برنامه های دیگر در سایر کشورها در روزهای آینده به اطلاع خواهد رسید.

همینروز به مناسبت سالروز درگذشت منصور حکمت، مراسم دیگری در روز شنبه ۱۰ ژوئن از طرف آذر ماجدی فراخوان داده شده است. حزب برنامه

از صفحه ۱ سالروز نسل کشی در رواندا

هوتو شبیه نبود! امروز هم قلب حقایق این نسل کشی عظیم بنا به همان منافع ده سال پیش ادامه دارد. امروز هم سیاست دمکراسی نظم نوینی متکی به نیروهای از گور برخاسته مذهبی و فالاتزیست های قوم پرست و ناسیونالیستهای افراطی است. یوگسلاوی و عراق نمونه های دیگرند. در دهمین سالروز این نسل کشی، هنوز بخشی از بانیان و شرکای آن، مقامات مهم دمکراسی غربی اند. و البته، تاکنون دادگاهی سراغشان را نگرفته است.

برای مردم ایران که خود قربانی نسل کشی سالهای ۶۰ و ۶۷ توسط جمهوری اسلامی بوده اند، وقایع رواندا و یوگسلاوی و امروز بغل گوششان عراق، درس مهمی دارد. و آن واکسینه بودن نسبت به سیاستهای است، که چه از جانب حکومت اسلامی و چه از جانب اپوزیسیون، منافع و هویت قومی و مذهبی و ملی افراد را برجسته میکند. این سیاستها، که مهمات مرغوبی برای آدمکشی است، مقدمه ای برای تکرار چنین فجایعی است. هرچند در ایران این سیاستها بی ریشه است و شرایط سیاسی در ایران و نیروهای حاضر در صحنه با رواندا و یوگسلاوی و عراق در اساس متفاوت است، و بجای احتمال سناریوی سیاه و استیصال در جامعه امید به آینده بهتر و انقلاب در چشم انداز است، با اینحال هوشیاری مردم لازم است. *

پیش در رواندا، تلاقی جنگ منافع و رقابت طولانی سیاسی و اقتصادی دولتهای غربی از جمله آمریکا و فرانسه و بلژیک در این کشور بود. جنگ قومی و مذهبی رواندا نتیجه مستقیم سیاستهای دولتهای غربی در آفریقای مرکزی بود. اینها پیشتر انسانیت و همزیستی را کشتند و برتری قومی را قانونی و جغرافیایی کردند. گروههای مختلف آدمکش سازمان دادند. آنجا هم امثال "ارتش آزادیبخش کوسو" راه انداختند و نفرت قومی و مذهبی را دامن زدند. در زمان نسل کشی، موضع احزاب دمکرات مسیحی اروپایی در مقابل این جنایت بزرگ بنا به مصالح سیاسی سکوت بود. چرا که حزب هوتوهای افراطی هم کیش شان در رواندا بود. اینها که بلطف مبارزات مردم علیه مذهب در اروپا ناچار به غلاف گیوتین ها شدند و در پارلمانها "تمرین دمکراسی" میکنند، از اینکه انجیل مو به مو در رواندا اجرا میشود و آدم میکشد خوشحال هم بودند. دولتهای غربی بویژه آمریکا و انگلیس و فرانسه و بلژیک و بعد سازمان ملل هر کدام بنحوی خود را کنار کشیدند و "ناظر" این نسل کشی شدند. مردم رواندا هم که سالها با هم زندگی میکردند ناگهان چشمشان به کابوسی باز شد که حتی اشاره به دقایق آن انسان را از زندگی سیر میکنند. از نحوه کشتار فوق وحشیانه کودکان و زنان تا هر کسی که قیافه و حتی فرم دماغش به

برای تدارک برپایی يك اول ماه مه باشکوه نقش مهم و تعیین کننده ای بر دوش کارگران کمونیست و رهبران کارگران قرار دارد. فعالین و رهبرانی که بیش از یکماه است در تدارک برپایی اول مه هستند و این جنب و جوشها هم اکنون در شکلی فشرده تر در میان آنان در جریان است. این وظیفه کارگران کمونیست و رهبران کارگری است که باید امر سازماندهی و برگزاری هر چه باشکوهتر اول مه را به پیش برند. در مجامع عمومی کارگری حول این روز و برپایی باشکوه آن سخن بگویند، خواستههای کارگران را بصورت قطعنامه های کارگری تنظیم کنند و آنرا نه تنها به پرچم مبارزه کارگران در کارخانه خود بلکه در ارتباط با رهبران کارگری در کارخانجات دیگر و مجامع عمومی آنها به پرچم مبارزه بخشهای هر چه وسیعتری از کارگران تبدیل کنند. این کارگران کمونیست و رهبران کارگری هستند که در روز اول مه باید تریبونها را در دست خود داشته باشند و سخنرانان و چهره های محبوب کارگران در اجتماعات این روز باشند. این کارگران کمونیست و رهبران کارگری هستند که مبتکر ایجاد همبستگی در میان کارگران و پیامهای همبستگی از مبارزات بخش های مختلف کارگری و متحد کننده کارگران هستند. باید این نقش را دریافت و به استقبال بر پایي هر چه باشکوهتر اول ماه مه برویم.

زنده باد اول مه روز جهانی کارگران.

روز اول مه، روز همبستگی جهانی کارگران در همه جا در کارخانه و در کل جامعه کار را تعطیل کرد و به خیابانها آمد و این روز را به روز اعتراض و به روز مبارزه برای خواستها و مطالبات خود تبدیل کرد. باید در این روز شاهد برپایی مراسم مستقل کارگران و بزرگترین اجتماعات و تظاهراتهای کارگری باشیم. روز اول ماه مه باید چهره شهر ها تغییر کند و شعارهای روی دیوار ها و پلاکاردهای نصب شده بر میدان ها حاکمی از گرامیداشت روز کارگر و روز قدرتمایی او باشد. در اول ماه مه ما باید شاهد بیشترین همبستگی در میان کارگران و موج پیامهای همبستگی با کارگران خاتون آباد و گرامیداشت کارگران جانبازان در خاتون آباد، شاهد موج همبستگی با کارگران قند میانداوب و گرامیداشت یاد فرج پور کارگری که از اوج خشم و عصبانیت در ۱۸ فروردین ماه دست به خودکشی زد و جان سپرد و نیز شاهد پیامهای همبستگی با کارگران پتروشیمی و موسسات وابسته به نفت باشیم که با مبارزات پیگیر خود رژیم را در مخمضه ای جدی در پیشبرد موج بیکارسازها در صنعت نفت قرار دادند. اول ماه مه امسال همچنین باید ما شاهد کيفر خواست کارگران و قطعنامه های کارگری با خواستههای فوری و همین امروز کارگران از جمله خواست افزایش دستمزدها، خواست توقف فوری موج اخراج ها و پرداخت بیمه بیکاری مکنی به کارگران و خواست پرداخت بی چون و چرای دستمزدهای پرداخت نشده به کارگران باشیم. در این روز باید ما شاهد اتحاد و همبستگی وسیع در میان کارگران باشیم.

اول مه را میتوان به روزی تاریخی تبدیل کرد اگر همه کارگران، کارگران نفت و کارگران بخش های کلیدی جامعه به خیابانها بیایند و این روز را گرامی بدارند. میتوان به روزی تاریخی تبدیل شود اگر ما شاهد اعلام همبستگی بخش های مختلف جامعه، معلمان، پرستاران، و دانشجویان با کارگران و خواستههایشان در این روز باشیم.

واقعیت اینست که همه چیز حاکی از آنست که جامعه در آستانه تحولی انقلابی قرار دارد و طبقه کارگر ستون اصلی این انقلاب است و امروز همه سرها بطرف کارگران خم شده است. حتی خود مقامات دولتی از کارگران نفت و از اینکه اگر کارگران نفت شیرهای نفت را ببندند جامعه فلج خواهد شد سخن میگویند. در چنین شرایطی اول ماه مه جایگاه سیاسی تری نسبت به سالهای گذشته خواهد داشت.

اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار میشود که کارگران میتوانند در پیشاپیش جامعه قرار گیرند و اعلام کنند که دیگر حاضر به تداوم این وضع نیستند و نمیخواهند به اینهمه بردگی و فلاکت گردن بگذارند. توازن قوا بیش از هر وقت به نفع مبارزات کارگران و توده های مردم است و کارگران میتوانند در صفی متحد و سراسری به خیابانها بیایند و کيفر خواست خود را علیه این نظام اعلام کنند و این روز را به روز قدرتمایی خود تبدیل کنند. نکته مهم اینست که با چنین افق و چشم اندازی به استقبال برگزاری هر چه باشکوهتر این روز برویم.

بعلاوه اول ماه مه روز جهانی کارگران است و امسال در ایران این روز مصادف با روز ۱۲ اردیبهشت ماه است. نباید گذاشت برپایی این روز با هیچ روز دیگری مخدوش شود. رژیم همیشه تلاش داشته است که این روز را به رسمیت نشناسد. در آغاز کار با گفتن اینکه همه روز روز کارگر است کوشید از زیر قبول این روز به عنوان روز کارگر شانه خالی کند. اما کارگران در ایران توانستند گرامیداشت روز کارگر را به این رژیم تحمیل کنند و این يك دستاورد برای کارگران است. اما هنوز تمام مساله پاسخ نگرفته است. باید تعطیلی روز اول مه روز جهانی کارگر را به دولت و کارفرمایان تحمیل کرد. در جمهوری اسلامی این روز رسماً روز تعطیل به شمار نرفته است. مساله اینست که باید گامی به جلو برداشت و اعلام کرد که روز اول مه روز جهانی کارگران است و ما این روز را جشن میگیریم و نه روزی دیگر را. باید امسال روز ۱۲ اردیبهشت،

جلو هجوم جمهوری اسلامی به مهاجرین افغانی را باید گرفت

اخیرا وزارت کشور جمهوری اسلامی با صدور اطلاعیه ای از اداره کار، استانداران و شوراهای اسلامی خواست تا اخراج مهاجرین افغانی را تسریع کنند. جمهوری اسلامی افغانستان را امن اعلام کرده و گفته است که مهاجرین برای "بازسازی وطن شان" باید به افغانستان برگشت داده شوند. همراه با سیاست دیپورت محدودیتهای زیادی نیز تا زمان حضور مهاجرین افغانی در ایران در دستور کار رژیم قرار گرفته است. اخذ هزینه ثبت نام دانش آموزان، ممنوعیت اشتغال و رهن و اجاره بدون مجوز، ممنوعیت پذیرش دانشجو و فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و محدودیتهای بسیار دیگری در دستور قرار گرفته است. رژیم اسلامی از زبان سران و مسئولانش سال ۸۳ را "سال خاتمه وضعیت حقوقی" مهاجرین افغانی اعلام کرده و به منظور دیپورت آنها "ستادهای پیگیری" با همکاری سازمان ملل در ۱۰ استان کشور سازماندهی شده است. وزارت کار و تامین اجتماعی نیز در راستای این سیاست، با صدور اطلاعیه ای خطاب به کارفرمایان، مدیران کارخانجات و دوایر حراست و شوراهای اسلامی کار مستقر در واحدهای تولیدی از آنها خواسته است که از استخدام کارگران افغانی ممانعت کرده و کارگران افغانی شاغل را برای روشن شدن وضعیت اقامتی شان به "ستادهای پیگیری" معرفی نمایند. لازم به توضیح است که سازمان ملل متحد با بیشرمی تمام جمهوری اسلامی را در اجرای این سیاست همراهی میکند.

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

درباره خودکشی کارگر کارخانه قند میاندوآب

این واقعه طبقه کارگر و کل جامعه ایران را باید تکان دهد

نشان دهد. پیامهای همدردی از سراسر کشور باید به خانواده فرج پور و همکاران او سرازیر شود.

حزب کمونیست کارگری این واقعه دردناک را به خانواده فرج پور و همکاران کارگرش در کارخانه قند میاندوآب صمیمانه تسلیت میگوید. خودکشی فرج پور اگر پیامی برای جامعه داشته باشد، تسریع انقلاب علیه این حکومت جنایتکار است. طبقه کارگر باید خود را برای رهبری یک انقلاب عظیم علیه مناسبات سرمایه داری و حکومت اسلامی آن آماده کند و با اینکار خود را و کل جامعه را از شر این شرایط غیرانسانی نجات دهد. این شایسته ترین پاسخ به این شرایط خفت بار و غیرقابل تحمل است. واقعه کارخانه میاندوآب باید توسط کارگران پیشرو و رادیکال به عاملی برای اتحاد بیشتر، نزدیکی بیشتر به یکدیگر و سازمان یافتگی بیشتر تبدیل شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ فروردین ۱۳۸۴

۸ آوریل ۲۰۰۴

زحمتکش را زیر خط فقر و در شرایط کشنده اقتصادی قرار داده است. نظامی است که هر ساله هزاران نفر را به خودکشی وامیدارد. حکومتی است که بانی این وضعیت فلاکت بار برای دهها میلیون انسان شریف و زحمتکش جامعه است. این سران جنایتکار حکومت اسلامی هستند که یک جنایت دیگر به پرونده آنها اضافه شد.

مرگ فرج پور تکان دهنده است و کل جامعه را باید تکان دهد. خانواده فرج پور را باید در آغوش گرم همبستگی کارگری بگیریم. موج اعتراض به حکومت اسلامی باید از سراسر جامعه سرازیر شود. خشم و انزجار نسبت به این واقعه دردناک باید به یک حرکت قدرتمند در تک تک کارخانه ها و مراکز کارگری، در دانشگاهها و مدارس و در همه جای جامعه علیه فقر و بیکاری و زندگی سیاهی که سرمایه داری و حکومت کثیف اسلامی آن به ما تحمیل کرده است، تبدیل شود. نه تنها کارگران و مردم شریف در میاندوآب که کل جامعه باید به این واقعه عکس العمل شایسته

روز ۱۸ فروردین فرج پور کارگر کارخانه قند میاندوآب بعد از اینکه رئیس کارخانه و مسئول کارگری را به گلوله بست و زخمی کرد، با شلیک گلوله ای به سر خود، در صحن کارخانه و در مقابل چشم همکاران به زندگی خود پایان داد. کارخانه قند میاندوآب که توسط سازمان دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح اداره می شود، مدتی قبل او را از کار بیکار کرده بود و پول ناپیزی بعنوان بازخرید به او داده بود. تنگانی زندگی و ناتوانی از تامین حداقل نیازهای همسر و فرزندان، فرج پور را به عصیان و خودکشی سوق داد.

فرج پور اگر زنده بود در دادگاههای حکومت اسلامی به جرم جنایت به محاکمه کشیده میشد، اما در واقع عامل مستقیم خودکشی او و تیراندازی به طرف رئیس کارخانه و مسئول کارگری کارخانه، کسان دیگری هستند. مجرم نظامی است که کارگران را کرور کرور بدون تامین حداقل زندگی از کارخانه بیرون میاندازد. نظامی است که میلیونها کارگر و مردم

اخبار کارگری

اهواز: کارگران آجر سازی "جنگیه" بیش از ۴ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. از سوی دیگر کارفرما حق بیمه کارگران را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نکرده است و بدین ترتیب ۱۲۰ کارگر این کارخانه که شامل بازنستگی مشاغل سخت و زیان آور شده اند، حقوق های بازنستگی خود را دریافت نکرده اند.

همدان: ۲۰۰ نفر از کارگران دانشگاه علوم پزشکی همدان از کار اخراج شدند. علت اخراج کارگران بروز مشکلات مالی برای این واحد آموزشی اعلام شده است. اخراج کارگران از روز ۱۵ فروردین شروع شده و تا تاریخ ۱۹ فروردین ماه ۲۰۰ نفر از کارگران اخراج شدند. از سوی دیگر ۳۳۰ نفر از کارگران شرکت "گرد" همدان بیش از یکسال است که در بلا تکلیفی به سر می

برند. حدود ۱۳ ماه پیش کارخانه "گرد" تعطیل شد و کارگران شغل های خود را از دست دادند. تاکنون هیچگونه حق سنوالتی به کارگران پرداخت نشده است.

بهبهان: بیش از ۸۰۰ نفر از کارگران روزمزد کارخانه "بهبهان" که یکی از بزرگترین کارخانه های روغن کشی کشور به شما میبرد، از کار اخراج شدند. کارگران فصلی شاغل در این کارخانه نیز در وضعیت نامن شغلی بسر می برند. لازم به توضیح است که کارگران روزمزد کارخانه بهبهان از کمترین حقوق قانونی برخوردار بوده اند. گفته شده است که این کارخانه در آستانه ورشکستگی قرار دارد.

رشت: کارگران شرکت "شهد ارک" از مهرماه سال گذشته تاکنون دستمزدی دریافت نکرده اند. در پی اعتراضات مکرر کارگران، کارفرما قول داده بود که در اسفند ماه سال گذشته دستمزد کارگران را بپردازد ولی به قول خود عمل نکرد. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزد های

موقوفه هستند. **ساوه:** ۹۰ نفر کارگر کارخانه "جهان رو" که تولید کننده موتور سیکلت می باشد، از کار بیکار شدند. کارفرما بهانه اخراج کارگران را تغییر تولید کارخانه اعلام کرده است.

سنندج: در پایان سال گذشته شمار زیادی از کارگران شهرداری سنندج توسط مسئولین این نهاد از کار بیکار شدند. صاحبان فروشگاه رفاه نیز ۱۲ نفر از کارگران شاغل در این فروشگاه را اخراج کردند. همچنین سازمان همیاری شهرداری ۵۰ تن از کارگران خود را اخراج کرد.

کارگران در مقابل بیکارسازیها و دیگر اجحافات سرمایه داران سلاح دیگری جز مبارزه متحد ندارند. حزب کمونیست کارگری همه بخشهای مختلف کارگران را فرا می خواند که متحدانه و با اعلام پشتیبانی از یکدیگر، حمله به شغل و معیشت کارگران را عقب برانند و حقوق مسلم خود را طلب کنند. *

کارگران و مردم شریف ایران مواجه شود. فاشیزم ایرانی سزاوار نفرت و انزجاری کمتر از فاشیزم هیتلری نیست. جنایت علیه افغانستانی ها نیز در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از اقلام برجسته کیفر خواست مردم علیه سران این حکومت خواهد بود.

ادامه جنگ و کشتار در عراق

جنگ و تروریزم و کشتار در عراق اوج تازه ای گرفته است. فلوجه، کوت، کرپلا، بغداد و برخی شهرهای دیگر حالت جنگی بخود گرفته است و یک روز در میان به صحنه درگیریهای خونین ارتش آمریکا و دستجات اسلامی و قومی تبدیل میشود. دود و آتش و بمب و هلیکوپتر و رگبار به جزئی از زندگی مردم این شهرها تبدیل شده است. در عراق همه کس از بن بست سخن میگوید. بن بستی مرگبار که مردم عراق اولین قربانیان آن هستند. تا آنجا که به طرفهای این جنگها مربوط میشود هیچکدام از آنها ذره ای انسانیت و حقوق انسانی مردم عراق را نمایندگی نمیکند. چشم انداز نزدیکی برای شکستن این دور تسلسل کشاکشهای خونین تروریستهای اسلامی و قوم پرستان و نظامیگری آمریکائی قابل مشاهده نیست. هیچ تردیدی نباید داشت که تنها شکل گرفتن یک صف قدرتمند مردمی که بر تشکیل دولتی غیر قومی و غیر مذهبی و دخالت مستقیم مردم در اداره جامعه پای بشارد، میتواند به این سناریوی خونین نقطه پایان بگذارد. تشکیل چنین صف قدرتمندی که به میلیتاریزم آمریکا و تروریسم اسلامی و ناسیونالیسم و قوم گرایی با قاطعیت نه بگوید، چه ساده چه آسان، چه دور چه نزدیک بی شک تنها راه است. *



در حاشیه رویدادها

کازم نیکخواه

پناهندگان افغانستانی از ایران با جدیت ادامه دارد. مردمی که از جنگ و کشتار و خانه خرابی دوره قبل فرار کرده اند، اکنون رژیم اسلامی به بهانه اینکه اوضاع افغانستان به حالت عادی باز گشته است میخواهد کل زندگی محقر آنان را لگد کوب نماید. جمهوری اسلامی با همدستی و چراغ سبز سازمان ملل به افغانستانی ها هجوم آورده و طرح پاکسازی ایران از هرکس را که متولد افغانستان است به شیوه ای کاملاً شبیه فاشیزم هیتلری به پیش میبرد. وزارت کشور حکومت اسلامی روز ۱۹ فروردین ماه رسماً بخشنامه ای صادر کرد که در آن افغانستانی ها را از حق اشتغال، حق داشتن مسکن، حق استفاده از مدرسه و دانشگاه و استفاده از خدمات اداری و غیره محروم میکنند و برای کارفرمایان و مدیرانی که این تحریم ها را علیه افغانستانیها اجرا نکنند، مجازات قانونی تعیین کرده است. گزارشهایی که از فشار و حمله به متولدین افغانستان منتشر میشود نشان دهنده یک تهاجم تمام عیار و تکان دهنده در علیه این مردم است. کارگران را از کارخانه ها بیرون میکشند، دانش آموزان را از مدارس اخراج میکنند، خانواده های ایرانی- افغانی را متلاشی میکنند و با توهین و تحقیر در بهترین حالت آنها را راهی اردوگاههای اجباری مینمایند. این تهاجم که بر متن تبلیغات متعفن ناسیونالیستی - فاشیستی علیه کارگران و پناهندگان افغانی انجام میشود ممکن است به مذاق جریانات و نیروهای مرتجع و ضد انسانی و ناسیونالیست ایرانی خوش بیاید، اما باید با اعتراض یکپارچه همه

کبرا رحمان پور: خطر اعدام قریب الوقوع

روزنامه اعتماد روز دوشنبه ۱۲ فروردین گزارش داد که اعدام کبرا رحمان پور قریب الوقوع بنظر میرسد. بنا به این گزارش شوهر ۶۷ ساله کبرا از جانب خانواده خویش بر اعدام کبرا پافشاری کرده و بنا به قانون قصاص جمهوری اسلامی ممکن است در همین روزها کبرا بار دیگر به پای چوبه دار برده شود. کبرا به یمن یک کمپین بین المللی گسترده علیه اعدام او، اکنون یک نام شناخته شده در سطح ایران و در سطح جهانی است. وضعیت کبرا بازگو کننده حقایق تکان دهنده بسیاری است. سرنوشت این دختر جوان را هر انسان شریفی دنبال کند، از جمهوری نکبت آور اسلامی و قوانین شرح آن شدیداً منزع خواهد شد. او یکی از میلیونها قربانی این جامعه و این نظام است. فقر خانواده او، ازدواج اجباری با مردمی مسن تر از پدرش، محکوم شدن به تحقیر و توهین و شکنجه در خانواده شوهر، بی پناهی برادر علیش، و بالاخره کشانده شدن به یک دعوی خون آلود و قرار گرفتن در زیر اعدام بر اساس قانون قصاص، آیا همین یک مورد برای اینکه انسان عزم جزم کند و به صف انقلاب علیه کل این دستگاه و سیستم کثیف ضد انسانی بپیوندد کافی نیست؟ کبرا را باید از اعدام و قصاص نجات داد. زندگی او به تنهایی ادعای محکمی برای محکومیت جمهوری اسلامی سرمایه داران است.

فاشیزم ایرانی علیه افغانستانی ها

در شرایطی که همه شواهد حاکی از آنست که در افغانستان جنگ و درگیری گروهها و دستجات قومی با دولت دست ساز آمریکا ادامه دارد و شیرازه جامعه همچنان از هم گسیخته است، اخراج فوج فوج

به رادیو تلویزیون ۲۴ ساعته کانال جدید کمک کنید!

تماس بگیرید.

آدرس
P.O. Box 42300
London
N12 0WY
England.

۱- ما ماهانه به ۱۰ هزار پوند برای اداره این کانال نیازمندیم. کمکهای مالی خود را به حساب بانکی ما در انگلستان واریز کنید.

شماره حساب در انگلیس

دارنده حساب WPI

شماره حساب 79 47 45
81

کد بانک 23 24 60

نام بانک Natwest Bank

شعبه Wood Green

۲- به حامیان تلویزیون کانال

بپیوندید! با ما برای اسپانسوری

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12

Center Frequency: 12608 MHz

Symbol Rate: 19279

FEC: 2/3

Polarization: horizontal

تلویزیون اول کودکان

اول کودکان، چهارشنبه ها و شنبه ها، از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰ شب به وقت تهران برنامه های خود را بر روی شبکه تلویزیونی کانال جدید، تل استار ۱۲، پخش میکنند. این برنامه ها همزمان در اروپا هم پخش میشود.

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید!

به حزب کمونیست کارگری

بپیوندید!

Tel: 0044-779-1130-707

Fax: 0044-870-135-1338

Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب